

## فرآیند شکل‌گیری جریان اسلام‌گرایی ترکیه از آغاز تاکنون

اسماعیل اقبال<sup>۱</sup> ■

### چکیده

این مقاله بر آن است تا چگونگی تحول در فرآیند جریان اسلام‌گرایی در سال‌های پس از تأسیس نظام سکولار در کشور ترکیه و چگونگی رشد و گسترش این جریان در یک نظام دین‌ستیز را مورد مطالعه قرار داده و نشان دهد که چگونه تغییرات ساختاری در دهه‌های گذشته بر رشد اسلام‌گرایی در این کشور تأثیر داشته است.

نویسنده این مقاله در صدد است تا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به این سوال پاسخ دهد که تغییرات در ساختار سیاسی و اقتصادی ترکیه از زمان تأسیس نظام لائیک در این کشور تا دستیابی حزب عدالت و توسعه به قدرت، چه تأثیری بر ظهور و رشد جریان اسلام‌گرایی داشته است؟ و همچنین عوامل مؤثر در تغییر رویکرد این جریان از آرمان‌گرایی به عمل‌گرایی در یک دهه اخیر چه بوده است؟

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جریان اسلام‌گرایی در ترکیه، در آغاز به صورت یک گفتمان آرمانگرا و ایدئولوژیک محور، در تقابل با گفتمان سکولاریسم شکل گرفت، سپس و به تدریج با تغییر در رویکرد خود از آرمان‌گرایی به عمل‌گرایی، در هم‌گرایی با آن پدیدار شد.

۱. استادیار دانشگاه امام حسین (علیه السلام)

ت دریافت: ۹۵ / ۴ / ۳

ت تصویب: ۹۵ / ۵ / ۷

esmail.eghbal@gmail.com

واژگان کلیدی: اسلام‌گرایی، غرب‌گرایی، آرمان‌گرایی، عمل‌گرایی،  
سکولاریسم، ترکیه، حزب عدالت و توسعه



پژوهش‌های منطقه‌ای (شماره ۱۳ / تابستان ۹۵)



## مقدمه

اسلام‌گرایی در ترکیه از لحاظ تاریخی ریشه در سیاست‌های دولتمردان امپراتوری عثمانی، قبل از تأسیس جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ دارد؛ یعنی زمانی که رهبران این امپراتوری تصمیم گرفتند تا به منظور جبران عقب ماندگی‌ها و شکست‌های خود در برابر اروپا به اصلاحات روی آورند. اقدامات صورت گرفته در زمان امپراتوری عثمانی موجب شد تا در آستانه قرن بیستم و قبل از تأسیس جمهوری ترکیه، سه جریان عمده سیاسی یعنی عثمانی‌گرایی، اسلام‌گرایی و غرب‌گرایی در سطح اجتماعی - سیاسی در این کشور حضور یابد. در این میان، جریان اسلام‌گرایی در فرآیند تحول خود، با فراز و نشیب‌های زیادی مواجه بوده است. این جریان در طول قرن بیستم به تدریج در ساختار سیاسی لائیک این کشور وارد شده و در اواخر قرن بیستم از جایگاه نسبتاً قابل توجهی برخوردار شده است. اما در دهه نخست قرن ۲۱ جریان اسلام‌گرایی وارد فرآیند سیاسی کاملاً متفاوتی شده است؛ پیروزی حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان در انتخابات پارلمانی این کشور در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ با آرا بسیار بالا که نشان دهنده تفوق اسلام‌گرایی بر غرب‌گرایی در ترکیه لائیک محسوب می‌شود، در تاریخ این کشور بی‌سابقه بوده است. جریان مزبور از سال ۱۹۲۳ با توجه به دگرگونی‌های ساختاری در نظام سیاسی این کشور و حرکت تدریجی این کشور به سوی یک نظام دموکراتیک، در دوره‌های مختلف تلاش کرده است تا با استفاده از فرصت‌های موجود در نظام سیاسی حاکم در چارچوب این نظام و به طور قانونی وارد فرآیندهای سیاسی و اجتماعی شود،



تلاشی که در دهه اول قرن ۲۱ به ثمر نشست. با این توضیح، سؤال اصلی مقاله عبارت است از:

تغییرات در ساختار سیاسی و اقتصادی ترکیه از زمان تأسیس نظام لائیک در این کشور تا دستیابی حزب عدالت و توسعه به قدرت، چه تأثیری بر ظهور و رشد جریان اسلام‌گرایی داشته است؟

در مقاله حاضر، تلاش خواهد شد تا با بررسی تحولات جریان اسلام‌گرایی در دوره‌های مختلف حیات سیاسی نظام لائیک در ترکیه، فرآیند تغییر در رویکرد آرمان‌گرایانه این جریان و گذار به عملگرا شدن آن مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

### ۱. چارچوب مفهومی و نظری

#### الف). مفاهیم اصلی

#### – اسلام‌گرایی

واژه اسلام‌گرایی و اسلام سیاسی دو واژه مترادف می‌باشند که مولود دنیای مدرن هستند و برای توصیف جریان‌های سیاسی اسلامی به کار می‌روند که خواستار حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند. با توجه به اینکه پس از ظهور مدرنیته غربی، مقوله دین از عرصه اجتماعی حذف شد، بنابراین به تدریج گروه‌هایی شکل گرفتند که معتقد بودند اسلام می‌تواند در مسایل اجتماعی و سیاسی ایفای نقش کند؛ این گروه‌ها به دلیل چنین اعتقادی، در کشورهای اسلامی به گروه‌های اسلام‌گرا معروف هستند. اسلام‌گرایی یا اسلام سیاسی، صفتی است که به آن دسته از جریان‌های سیاسی اسلامی گفته می‌شود که تلاش می‌کنند تا با تشکیل حکومت اسلامی و به دست آوردن قدرت سیاسی، جامعه اسلامی را بر اساس اصول اسلامی بازسازی کنند. به تعبیر بابی سعید: اسلام سیاسی، گفتمانی است که هویت اسلامی را در کانون عمل سیاسی قرار می‌دهد، برای تفکر در باره

سرنوشت خویش از تعبیر اسلامی استفاده می‌کند و آینده سیاسی خود را در اسلام می‌بیند (سعید، ۱۳۷۹، ۲۰).

### - لائیسیم و سکولاریسم

در این تحقیق مفهوم دیگری که باید به آن توجه شود، مفهوم لائیسیم و سکولاریسم است؛ تقابل میان سکولاریسم و اسلام‌گرایی هم در داخل ترکیه و هم در میان کشورهای تأثیرگذار در خاورمیانه ایجاب می‌کند تا تعریف دقیق‌تری از این مفهوم ارایه شود. هر چند تلقی عمومی این است که سکولاریسم و لائیسیم دو مفهوم متفاوت‌اند، اما به نظر می‌رسد که این دو واژه تقریباً مترادف‌اند. در دایرةالمعارف «وبستر» واژه لائیسیم را به نظامی اطلاق کرده است که در آن از دخالت دین در امور ممانعت شده است. فرهنگ لغت آکسفورد انگلیسی به انگلیسی نیز لائیک را آزادی از کنترل کشیشان معنا کرده است؛ در فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، لائیسیم به معنای غیردینی شدن و تفکیک دین از دولت آمده است. فرهنگ عربی لاروس کلمه لائیک را «غیرمذهبی» معنی کرده است؛ در فرهنگ جامع سیاسی، لائیسیم به روش حکومت‌های گفته می‌شود که دین و سیاست را از هم جدا کرده و مذهب ندارند (طلوعی، ۱۳۷۷، ۷۴۸).

هر چند در زبان فارسی دو واژه سکولاریسم و لائیسیم را به دو مفهوم متفاوت تلقی می‌کنند، یعنی سکولاریسم را به مفهوم جدایی دین از سیاست می‌دانند و لائیسیم را به مفهوم غیردینی و غیرمذهبی تعریف می‌کنند، اما به نظر می‌رسد این دو واژه تقریباً مترادف باشند، چون برخی سکولاریسم را به دو بخش ملایم و خشن تقسیم می‌کنند، سکولاریسم ملایم به مفهوم جدایی دین از سیاست است و سکولاریسم خشن، به الحاد و بی‌دینی اشاره دارد؛ بر این اساس در برخی از کشورها از آن به عنوان لائیسیم تعبیر می‌شود (همان کتاب).

ب). چارچوب نظری

- نظریه «آرمان‌گرایی - واقع‌گرایی»

از میان نظریات عمده در روابط بین‌الملل، نظریه «آرمان‌گرایی - واقع‌گرایی» به شکل مناسبی موضوع این تحقیق را تبیین می‌کند. نظریه آرمان‌گرایی از سنت بین‌الملل‌گرایی لیبرال که خاستگاه روابط بین‌الملل به شمار می‌رود الهام پذیرفته است. این نظریه برای ممانعت از تکرار جنگ و تحقق صلح جهانی در صدد برآمد تا بر اساس هنجارهای ایدئولوژیک لیبرالی، به مدیریت نظام بین‌الملل و شکل دهی مناسب به آینده سیاست جهانی مبادرت ورزد، چون آرمان‌گرایان در صدد هستند تا با مقایسه کردن نظام داخلی و نظام بین‌المللی، اصول حاکم بر محیط داخلی را به سطح بین‌المللی تسری دهند. بر خلاف نظریه آرمان‌گرایی، بر اساس نظریه واقع‌گرایی، دولت‌ها به عنوان بازیگر اصلی در مناسبات سیاسی به دنبال کسب قدرت به عنوان یک هدف می‌باشند. از منظر این نظریه، دولت‌ها به صورت عقلایی رفتار می‌کنند و فقط در پی منافع خود هستند. بر اساس مفروضه عقلانیت در این نظریه، رفتار بازیگران در سیاست بین‌الملل از عقلانیت خاصی ناشی می‌شود که هدفش تأمین منافع ملی بر حسب قدرت است. به همین دلیل نظریه واقع‌گرایی به نظریه خردگرا معروف است، چون کشورها به دقت هزینه و نفع سیاست‌های بدیل خود را محاسبه می‌کنند و سعی در اجرای سیاستی دارند که منافع آنها را به حداکثر برساند (سیف زاده، ۱۳۷۶، ۱۶۳-۱۶۲). صاحب‌نظران روابط بین‌الملل، بر این نکته تأکید دارند که ظهور نظریه واقع‌گرایی در برابر کاستی‌های نظریه آرمان‌گرایی بوده است (مشیر زاده، ۱۳۸۵، ۷۹). چون بر اساس نظریه واقع‌گرایی، دولت‌ها صرفاً بر مبنای ملاحظات اخلاقی یا سیاست‌های اعلامی خود رفتار نمی‌کنند، بلکه در پی کسب افزایش و حفظ قدرت خویش هستند. از نگاه واقع‌گرایان امکان هماهنگی منافع بین دولت‌ها وجود ندارد؛ برخورد منافع بین دولت‌ها یک امر حتمی است و تنها راه جلوگیری از این

برخورد تشکیل سیستم موازنه قوا بین دولت‌هاست. واقع‌گرایان موازنه قوا بین دولت‌ها را عامل صلح و مانع جنگ می‌دانند.

## ۲. حاکمیت استبداد حزبی

### ۱-۲. نظامی‌گری

پس از تأسیس نظام جمهوری در سال ۱۹۲۳، نظام تک‌حزبی توسط آتاتورک بر این کشور حاکم شد، به شکلی که تا سال ۱۹۴۵ فعالیت تمامی احزاب و جریان‌های سیاسی ممنوع شد. آنچه که در این جمهوری نوبنیان بیش از هر چیز قابل توجه بود، نفوذ مستقیم نظامیان در حوزه سیاست و نظارت بر تصمیم‌گیرهای سیاسی بود. آتاتورک با ایجاد نظام تک‌حزبی در واقع به ارتش امکان داد به صحنه اجتماعی وارد شده و به عنوان ضامن حفظ و بقای نظام ترکیه عمل کند. با توجه به اینکه جریان غرب‌گرا هیچ اعتمادی به جامعه ترکیه نداشت و از سوی دیگر کمالیست‌ها همواره از اینکه کشور ممکن است به خاطر گرایش‌های مذهبی و فرقه‌ای در معرض تجزیه قرار گیرد، احساس نگرانی می‌کردند، بنابراین به ارتش نقشی بیش از مأموریت اصلی آن داده شد تا به عنوان حامی اصلی و واقعی کشور و نظام سکولار عمل کند.

### ۲-۲. حاکمیت سکولاریسم و لائسیسم

با توجه به تحولات و اقداماتی که از سوی جناح غرب‌گرا از سال ۱۹۲۳ به بعد در ترکیه صورت گرفت، می‌توان گفت سکولاریسم و اسلام همواره دو گزینه‌ای بوده‌اند که در دوران حاکمیت سکولارها در ترکیه به گونه‌ای آشکار و در میان بدنه سیاسی و اجتماعی این کشور در حال چالش با یکدیگر بوده‌اند. کشور ترکیه پس از حاکمیت سکولارها بر این کشور، شاهد اقدامات ضد دینی آتاتورک بود؛ چون آتاتورک قویاً ایمان داشت که ترکیه اگر بخواهد مدرن شود، باید از دولت اسلامی به جمهوری سکولار تبدیل شود (ورغی، ۲۰۱۰، ۳۴).

سکولارها در این دوره با اتخاذ تصمیمات گسترده در جهت زدودن مظاهر دین از جامعه اسلامی ترکیه، به شکلی رفتار کردند که به عقیده برخی از صاحب نظران بخش عمده اقدامات آنها صرفاً حوزه‌های دینی را در بر می‌گرفت. (Landau, ۱۹۹۴, ۱) در واقع آتاتورک پس از اینکه توانست پایه‌های قدرتش را در کشور تثبیت کند، بدون نظرخواهی و رفراندوم از مردم، اصول لائیسزم را با زور و خشونت یکی پس از دیگری وارد شوون مختلف جامعه کرد و در نهایت مدتی قبل از مرگ نیز در آخرین اقدام، اسلام را به عنوان دین دولت از قانون اساسی حذف کرد. ترکیه تنها کشور مسلمانی است که در متن قانون اساسی آن عبارت «اسلام دین رسمی کشور است» نیامده، بلکه در ماده ۲ قانون اساسی این کشور آمده است؛ «جمهوری ترکیه یک دولت دموکراتیک، سکولار و سوسیالیست است که بر اساس حاکمیت قانون اداره می‌شود» (Türkiye Cumhuriyeti Anayasası, ۱۹۶۱).

### ۳. حاکمیت نظام چند حزبی

پس از جنگ جهانی دوم مشکلات ناشی از جنگ از یک طرف نظام تک حزبی سکولار ترکیه را در داخل با چالش جدی مواجه ساخته بود و از سوی دیگر این کشور را با یک چالش جدی در سطح بین‌المللی مواجه کرده بود، چون فضای ضد دیکتاتوری و دموکراسی خواهی پس از جنگ، مطالبات ملت‌ها برای رسیدن به یک نظام دموکراتیک را افزایش داده بود؛ این شرایط موجب شد تا حزب حاکم سکولار برای پاسخ به چالش‌های پیش رو، فضای جدیدی را در کشور ایجاد کند به شکلی که هم به اعتبار خود در داخل بیفزاید و هم به منظور تحقق رویای طلایی آتاتورک برای اروپایی شدن، در جهت برقراری آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در داخل تلاش نماید. در این فضای جدید بسیاری از ممنوعیت‌ها و محدودیت‌هایی که آتاتورک و جانشینش برای مسلمانان ایجاد کرده بودند از میان برداشته شد و مسلمانان برای نخستین بار اجازه یافتند تا



اعمال و عبادات دینی خود را آزادانه انجام دهند. در این مقطع است که تحول جدیدی در جریان اسلام‌گرایی پدید آمد که مهم‌ترین مؤلفه‌های آن عبارت است از:

### ۳-۱. اسلام‌گرایی در سطح فعالیت‌های سیاسی

مهم‌ترین دستاورد فضای جدید، استقرار نظام چند حزبی در داخل ترکیه بود که به باور بسیاری تأثیر جدی بر رشد اسلام‌گرایی در داخل ترکیه داشت. در فضای جدید ایجاد شده از سال ۱۹۴۶ تا سال ۱۹۵۰ میلادی، ۸ حزب سیاسی در عرصه سیاسی ظاهر شدند که تمامی آنها در برنامه‌های حزبی خود به امور مذهبی توجه کرده بودند. روشن است که فضای باز دموکراتیک در داخل ترکیه در سال ۱۹۴۶ یک نقطه عطف برای ظهور و رشد اسلام‌گرایی پس از دو دهه انزوا محسوب می‌شود. با استقرار نظام چند حزبی سیطره و اقتدار حزب جمهوری خواه خلق که بیش از دو دهه به عنوان تنها حزب کشور بر حیات سیاسی جامعه تسلط داشت و قدرت را به طور انحصاری در اختیار داشت کاهش یافت، به شکلی که این حزب بر خلاف گذشته ناگزیر بود برای دستیابی به قدرت به رقابت با سایر احزاب موجود بپردازد. یکی از مسایل قابل توجه در فضای جدید سیاسی ترکیه در آن دهه حضور اسلام در صحنه سیاست و ایفای نقش آن در عرصه رقابت‌های حزبی برای جذب آرا مردم بود و چون شرایط جدید موجب شد تا آن اکثریتی که در خلال دو دهه گذشته در حاشیه قرار گرفته و فراموش شده بودند، به میدان باز گردند در اکثر حوزه‌های انتخابیه تأثیر جدی بر انتخابات به جای بگذارند. بدین علت بود که حزب جمهوری خواه خلق که در گذشته بدون هیچ رقیبی کشور را در اختیار داشت و روند سکولاریزه شدن جامعه ترکیه را با قاطعیت دنبال می‌کرد و به مدرن سازی اجباری کشور ادامه می‌داد، حال ناگزیر بود خود برای دستیابی به قدرت در یک رقابت حزبی به خواسته‌ها و مطالبات اقشار مسلمان توجه کند.

### ۳-۲. تاسیس اولین حزب اسلام‌گرا

پس از استقرار نظام چند حزبی در ترکیه، تمامی احزابی که به رقابت با حزب جمهوری خواه خلق پرداختند، با عنوان احزاب سکولار در عرصه سیاسی ترکیه ظاهر شدند، هر چند برخی از آنها چون احزاب دموکرات و عدالت با مطالبات اسلام‌گرایان همراهی می‌کردند و برخی از اسلام‌گرایان از جمله اربکان نیز به عضویت یکی از این احزاب درآمدند، اما هیچ‌یک از این احزاب یک حزب اسلام‌گرا محسوب نمی‌شدند. با آغاز دهه ۱۹۷۰ میلادی، جریان اسلام‌گرایی شاهد عصر جدیدی برای گسترش فعالیت‌های اسلام‌گرایانه در عرصه سیاسی و اجتماعی ترکیه بود، چون جریان اسلام‌گرا از وابستگی به حزب سکولار عدالت خارج شد و اسلام‌گرایان با خروج از آن تصمیم گرفتند خود حزبی اسلام‌گرا تاسیس کنند. برغم این‌که قانون اساسی ترکیه هر گونه بهره‌برداری از دین را برای مقاصد سیاسی ممنوع کرده بود، اما اسلام‌گرایان برغم آگاهی از فشار ارتش برای جلوگیری از فعالیتشان به این نتیجه رسیدند که باید از انزوای سیاسی خارج شوند و به گذشته اسلامی خود باز گردند؛ آنها بر این باور بودند که دو حزب دموکرات و عدالت، احزاب لیبرال هستند و صرفاً با شعار آزادی عقیده از احساسات مذهبی استفاده می‌کنند (خلیفه، ۲۰۰۳، ۵).

اربکان در مواضع خود سخن از بی‌نیازی کشور از کالاهای غربی و تأکید بر صنعت ملی و فرهنگ ملی به میان آورد و رویکرد مردم به اسلام‌گرایان بیش از پیش افزایش یافت. در این شرایط نجم‌الدین اربکان با مشاوره با تعدادی از دوستان خود و سپس حضور در مجامع عمومی برای بیان افکار و اندیشه‌های خود تأسیس حزب نظام ملی را به عنوان اولین حزب اسلام‌گرا در تاریخ نظام سکولار ترکیه اعلام کرد؛ بدین ترتیب با تأسیس حزب نظام ملی باید گفت؛ نجم‌الدین اربکان آغازگر تأسیس احزاب اسلام‌گرا در تاریخ ترکیه بوده است.

اربکان پس از تأسیس حزب نظام ملی با اشاره به اینکه دموکراسی یک وسیله است نه هدف؛ با یک نگاه ایدئولوژیک محور، اعلام کرد؛ ما جزو احزابی که

نماینده نظام هستند، نیستیم؛ او با اشاره به اینکه مفاهیمی چون مدرنیته و لیبرال دموکراسی با اسلام سنخیتی ندارند، نظام سوسیالیستی را به عنوان تهدید کننده آزادی و نظام سرمایه داری را به عنوان نظام مبتنی بر ربا و مخالف نظام عادلانه توصیف کرد و تنها راه حل را اسلام معرفی نمود. او نه تنها مخالف پیوستن ترکیه به ناتو و مخالف همکاری با رژیم صهیونیستی بود، بلکه خواستار خروج ترکیه از ناتو و قطع رابطه با اسرائیل نیز شد. او همچنین بر این باور بود که ما در حل مشکلات خود بر اساس عدالت عمل خواهیم کرد نه بر اساس آنچه اروپایی‌ها می‌خواهند. او در طول دهه ۱۹۷۰ همواره تأکید می‌کرد: ترکیه نباید در بازار مشترک اروپا عضو باشد، بلکه باید عضو بازار مشترک کشورهای شرقی باشد (Ahmad, ۱۹۹۷, ۳۸۳). اظهارات و مواضع اربکان بیانگر این بود که او بدون توجه به شرایط و واقعیت‌های موجود در ترکیه، آرمان‌گرایی و شعارزدگی را جایگزین واقع‌گرایی و عمل‌گرایی کرده بود. مواضع و شعارهای آرمان‌گرایانه رهبران حزب نظام ملی موجب شد تا دادگاه قانون اساسی ترکیه پس از کودتای ۱۹۷۱ در تاریخ ۱۹۷۱/۵/۲ درست پس از ۱۵ ماه به فعالیت این حزب پایان دهد.

### ۳-۳. نفوذ به نظام قدرت

با توجه به نتیجه انتخابات ۱۹۷۳ هیچ یک از احزاب به تنهایی قادر به تشکیل دولت نبودند، بنابراین لازم بود تا دو حزب جمهوری‌خواه خلق به رهبری بلند اجویت و حزب عدالت به رهبری سلیمان دمیرل که در صدر جدول قرار داشتند دولت را تشکیل دهند، اما به دلیل اختلاف میان رهبران این دو حزب بحران ادامه یافت. در این شرایط به منظور پایان دادن به بحران موجود حزب جمهوری‌خواه خلق دست همکاری به سوی حزب سلامت ملی دراز کرد؛ این حزب از فرصت استفاده کرد تا با ورود به دولت اهداف خود را به شکل مطلوب‌تری دنبال کند. برغم اینکه برخی از اعضا دو حزب با این ائتلاف مخالف بودند اما هر یک برای خود منفعی را در نظر داشتند که از طریق این ائتلاف محقق می‌شد.



اربکان به عنوان رییس حزب سلامت ملی پس از ائتلاف با حزب جمهوری خواه به معاونت نخست وزیر انتخاب شد. او موفق شد تا برخی از وزارت خانه- های کابینه را در اختیار اعضای حزب قرار دهد و در بحران قبرس پیشنهاد پیاده کردن نیرو در این جزیره را داد که بیش از پیش به موقعیت سیاسی او افزوده شد. از سوی دیگر این ائتلاف موجب شد تا جریان اسلام‌گرایی برای نخستین بار از سوی حزبی که منتسب به آتاتورک بود به رسمیت شناخته شود و با ورود اعضا حزب به داخل برخی از وزارتخانه‌ها، فضای حاکم بر نهادهای رسمی نیز دگرگون شود. مشارکت و همراهی حزب سلامت ملی با حزب سکولار جمهوری خواه فرصت بسیار مناسبی بود تا این حزب موجودیت سیاسی خود را به عنوان یک عنصر تأثیر گزار به اثبات برساند، چون این ائتلاف اولین نفوذ یک اسلام‌گرا به قوه مجریه بود که از زمان تاسیس نظام جمهوری لائیک در سال ۱۹۲۳ اتفاق افتاده بود.

اربکان پس از انتخاب شدن به معاونت نخست وزیری برای بار دوم در سال ۱۹۷۵، در خلال سه سال بعد به یک عنصر موثر و تأثیرگذار در دولت تبدیل شد، به شکلی که بدون مساعدت حزب او امکان ادامه کار کابینه با مشکل مواجه می شد. اربکان در ائتلاف دوم در سال ۱۹۷۵ با صدور بیانیه‌ای که به نام "Millie Gorus" یا دیدگاه ملی معروف شد، اهداف و برنامه‌های جریان اسلام‌گرایی را به طور مشروح تبیین کرد. در این بیانیه اربکان با تأکید بر تربیت اخلاقی و دینی اعلام کرد ما صرفاً یک حزب نیستیم، بلکه یک جنبش اسلامی هستیم که بر استقلال اقتصادی و صنعتی شدن کشور تأکید داریم، ما تأکید می‌کنیم که باید از دنباله روی اروپا و ورود به بازارهای آن پرهیز کنیم و به جای آن با کشورهای اسلامی روابط اقتصادی و همکاری محکم برقرار سازیم (all about ww. turkey. com).

### ۳-۴. اسلام‌گرایی به مثابه جریان موثر قدرت سیاسی

اربکان در ائتلاف دوم موفق شد تا زمینه‌های لازم را برای رشد اسلام‌گرایی در جامعه ترکیه فراهم سازد. او با توسعه مدارس دینی و تربیت طلاب دینی نقش مهمی در افزایش جایگاه و موقعیت حزب سلامت ملی در ترکیه داشت. احزاب رقیب در ترکیه که نگران قدرت گرفتن حزب اسلام‌گرای اربکان بودند، تصمیم گرفتند تا انتخابات زودرس را در سال ۱۹۷۷ برگزار کنند و از بهره‌گیری حزب سلامت ملی از ایام مذهبی ماه رمضان برای جلب آرا نیروهای مذهبی جلوگیری کنند. بدین ترتیب سلیمان دمیرل انتخابات پارلمان را زودتر از موعد مقرر در ژانویه ۱۹۷۷ برگزار کرد و حزب سلامت ملی با کسب ۲۴ کرسی در جایگاه سوم قرار گرفت.

پس از شروع به کار پارلمان رهبر حزب جمهوری‌خواه خلق که در صدر جدول وجود داشت نتوانست از مجلس رأی اعتماد بگیرد، بلکه بار دیگر سلیمان دمیرل از حزب عدالت با کمک حزب سلامت ملی و حزب حرکت ملی کابینه ائتلافی را با اسم جبهه ملی دوم تشکیل داد. در این کابینه ائتلافی اربکان برای بار سوم به عنوان معاون نخست وزیر انتخاب شد. این انتخاب بیانگر آن بود که اسلام‌گرایی به عنوان یک جریان فعال و اثرگذار در عرصه سیاسی ترکیه حضور دارد. البته این ائتلاف چون گذشته قوی نبود، چون به دلیل اختلاف بر سر مسائل موجود به ویژه مشکلات اقتصادی خیلی زود فروپاشید و در ۱۷ ژانویه ۱۹۷۸ بولنت اجویت با کمک برخی از نمایندگان مستقل و احزاب کوچک مأمور تشکیل کابینه شد. اربکان برای نخستین بار در دهه اخیر به عنوان رییس حزب مخالف به فعالیت خود ادامه داد. کابینه بولنت اجویت به دلیل مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شدید در نوامبر ۱۹۷۹ فروپاشید و سلیمان دمیرل بار دیگر مأمور تشکیل کابینه شد. از همان ابتدا مشخص بود که کابینه جدید قادر به حل مشکلات موجود نخواهد بود و دمیرل نیز از دولت خود به عنوان دولت بحران یاد کرده بود. به دلیل ادامه خشونت‌ها و تشدید مشکلات اقتصادی ارتش تصمیم گرفت برای پایان دادن به بحران موجود مداخله کند.

بدون تردید جریان اسلام‌گرایی به عنوان یک حرکت نوظهور در دهه ۱۹۷۰ توانست از جایگاه قابل توجهی در افکار عمومی مردم ترکیه برخوردار شود؛ اربکان با تأسیس دو حزب اسلام‌گرای نظام ملی و سلامت ملی در این دهه، نقش مهمی در احیای جریان اسلام‌گرایی در ترکیه و به چالش کشیدن نظام سکولار ایفا کرده است. اربکان با پایبندی به قواعد بازی دموکراسی به دولت‌های ائتلافی سکولار پیوست و برغم مخالفت برخی از اعضا حزب با همکاری او با احزاب چپ و راست، موفق شد تا با این اقدام، زمینه را برای نفوذ و گسترش جایگاه و نفوذ احزاب اسلام‌گرا در آینده آماده سازد. اربکان در صدد بود تا به احزاب سکولار نشان دهد که به عنوان یک حزب اسلام‌گرا یک قدرت سیاسی موثر در حیات سیاسی کشور محسوب می‌شود، به شکلی که بدون حضور او بحران‌های سیاسی جامعه حل نخواهد شد.

### ۲-۵. اوج اسلام‌گرایی سیاسی

به رغم اینکه بسیاری کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ توسط ارتش در ترکیه را به دلیل بحران‌های سیاسی و اقتصادی در آن کشور می‌دانند، اما در واقع باید گفت یکی از علل اصلی کودتا، رشد جریان اسلام‌گرایی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی بوده است. شاید بتوان گفت عدم توافق میان احزاب موجود برای تشکیل کابینه و اختلافات گسترده میان گروه‌ها و قومیت‌های مختلف از جهت سیاسی از یک طرف و مشکلات اقتصادی چون افزایش تورم و بیکاری، کاهش ارزش پول ملی در مقابل دلار و افزایش تنش‌های اجتماعی از سوی دیگر از دلایلی بود که ارتش ترکیه را بر آن داشته است تا به بهانه دفاع از مبانی آتاتورک دست به کودتا بزند، اما در واقع این رشد جریان اسلام‌گرایی و شعارها و برنامه‌های حزب سلامت ملی به رهبری اربکان بود که ارتش را بر آن داشت تا در عرصه سیاسی دخالت کند. اربکان در داخل دولت‌های ائتلافی در چارچوب دیدگاه ایدئولوژیک خود، همواره به وزرای امور خارجه هشدار می‌داد که از نزدیک شدن به غرب و

برقراری روابط نزدیک با اسرائیل خودداری کنند، بلکه بیشتر در جهت تقویت روابط با کشورهای عربی و اسلامی تلاش کنند. بخصوص با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تأکید اربکان بر این نکته که انقلاب اسلامی ایران به منزله رهایی از سلطه امپریالیسم است و ترکیه باید روابط دوستانه‌ای با این کشور داشته باشد، بیش از پیش ارتش را نگران بقای نظام آتاتورک کرده بود. همچنین مواضع اربکان مبنی بر محکومیت پایتخت قرار دادن بیت المقدس برای اسرائیل و تأکید بر آزادی قدس از طریق جهاد در میان جمعیت تظاهرکننده در قونیه و امتناع او از شرکت در جشن‌های روز پیروزی در اوت ۱۹۸۰ برای به چالش کشیدن نظام جمهوری آتاتورک همه از مسایلی بود که ارتش را نگران ساخته بود که اربکان می‌خواهد یک دولت اسلامی را جایگزین جمهوری دموکراتیک ترکیه کند. در این شرایط ارتش به فرماندهی کنعان اورن رییس ستاد کل به بهانه پایان دادن به هرج و مرج و بی‌ثباتی امنیتی و حراست از وحدت ملی و دفاع از اصول نظام سکولار و برقراری عدالت اجتماعی و دفاع از حقوق و آزادی‌های فردی در ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ دست به کودتا زد.

#### ۴. حاکمیت لیبرالیسم اقتصادی و بازار آزاد

##### ۴-۱. احیای غیر نظامی‌ها

پس از کودتای ۱۹۸۰ نظامیان تصمیم گرفتند تا زمینه را برای ظهور احزاب جدید فراهم سازند و قدرت را بار دیگر به غیر نظامیان واگذار کنند، احزاب متعددی از جمله حزب رفاه در سال ۱۹۸۳ تأسیس شد، اما در انتخابات سال ۱۹۸۳ تنها سه حزب خلق به ریاست نجوت چالپ، حزب دموکراسی ملی به ریاست توگورت سونالپ و حزب مام میهن به ریاست تورگوت اوزال اجازه شرکت در انتخابات را یافتند که از میان آنها حزب مام میهن به پیروزی دست یافت و دولت را تشکیل داد. حزب مام میهن به رهبری تورگوت اوزال از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۷ با جذب اسلام‌گرایان به کابینه نقش مهمی در رشد و گسترش

اسلامگرایی داشت. اوزال با صراحت اعلام می‌کرد که دین مؤلفه اساسی هویت ترکیه است (الصالح، ۲۰۱۲، ۱۷۲).

#### ۲-۴. بازتعریف نقش سیاسی دین

بدون تردید باید گفت تورگوت اوزال در دهه ۸۰ میلادی در ایجاد ارتباط میان دولت، جامعه و دین نقش محوری داشته است؛ او با اتخاذ سیاست باز سیاسی و اقتصادی تلاش کرد تا میان توسعه و عمل‌گرایی سیاسی با سنن دینی انطباق ایجاد کند. این امر مسیر را برای اسلام و فرهنگ عثمانی هموار ساخت تا در حیات جامعه نقش جدیدی ایفا نماید. او شاید نخستین رییس دولت در ترکیه بود که در ماه مبارک رمضان در محل نخست وزیری ضیافت افطار برای عموم بر پا کرد و اولین نخست وزیر ترکیه بود که برای انجام فریضه حج به مکه مشرف شد و در نماز جمعه حضور یافت (زارع، ۱۳۸۷، ۴۰).

#### ۳-۴. سیاست باز اقتصادی

اوزال در برابر کشورهای عربی و اسلامی نیز یک سیاست باز اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را گشود و مرزهای ترکیه را برای جذب سرمایه‌های کشورهای عربی به روی آن کشورها باز کرد. سیاست‌های اوزال که باعث رشد طبقه جدیدی از صنعتگران و تجار در جامعه ترکیه شده بود، نقش مهمی در حیات سیاسی این کشور در آینده داشت. این نخبگان جدید که جمعیت آنها رو به فزونی گذاشته بود هیچ تناقضی میان گشودن درها به سوی غرب و حفظ هویت اسلامی خود نمی‌دیدند، بلکه به عکس آنها معتقد بودند که این اصلاحات دینی در اروپا بوده است که باعث پیشرفت صنعتی آن کشورها شده و آنها را به ابرقدرت اقتصادی دنیا تبدیل کرده است. بدین ترتیب باید گفت سیاست‌های لیبرالی تورگوت اوزال در دهه هشتاد و سال‌های آغازین دهه نود در سرازیر شدن سرمایه‌های خارجی بویژه سرمایه‌های کشورهای عرب خلیج فارس به این کشور نقش محوری داشته است. برخی معتقدند که سیاست‌های اوزال موجب



شد تا بخش‌های اقتصادی تحت سلطه سرمایه‌داران اسلام‌گرا با توسعه پرشتاب مواجه شود و این مسأله اسلام‌گراهای ترکیه را به سوی افق‌های تازه‌ای در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگ، رسانه، آموزش و پرورش و نهادهای گوناگون اجتماعی سوق داد و پایگاه اجتماعی مؤثری در هدایت جنبش‌های اجتماعی و سیاسی ترکیه ایجاد کرد (نورالدین، ۱۳۸۳، ۱۲۷). بدون تردید باید گفت یکی از دلایل موفقیت اوزال در دهه ۱۹۸۰ این بود که او توانسته بود تا میان تمامی دیدگاه‌ها خواه چپ و راست و خواه دیدگاه‌های ناسیونالیست و اسلامی، تعادل و توازن ایجاد کند. سیاست‌های عمل‌گرایانه اوزال در عرصه اقتصادی و سیاسی، نقش مؤثری در رشد و گسترش اسلام‌گرایی در دهه ۱۹۹۰ در ترکیه داشت. شکل‌گیری حزب رفاه به رهبری اربکان و رویکرد گسترده مردم به این حزب، پیامد اصلاحات سیاسی و اقتصادی اوزال در دهه ۱۹۸۰ میلادی بود.

#### ۴-۴. شکل‌گیری حزب رفاه

حزب رفاه زیر چشمان تیزبین رهبران کودتای ۱۹۸۰ و با اشاره اربکان و توسط علی ترکمن از نزدیکان وی در ۱۹ ژوئیه ۱۹۸۳ تأسیس شد. بدون تردید تأسیس حزب رفاه، نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در رشد اسلام‌گرایی در ترکیه داشته است. نجم‌الدین اربکان به دلیل شرایط خاص حاکم بر ترکیه نتوانست با صراحت اعلام کند که حزب رفاه یک حزب اسلامی است اما او سعی کرد تا رویکرد اسلامی حزب را با صبغه اخلاقی - اصلاحی بیوشاند، بدین علت او با توجه به ایدئولوژی اسلامی خود، چارچوب حزب رفاه را با عنوان «نظام عادل» تعیین کرد. هرچند این حزب به دلیل مخالفت شورای امنیت ملی ترکیه نتوانست در انتخابات عمومی ۱۹۸۳ شرکت کند، اما در انتخابات شهرداری‌های محلی در مارس ۱۹۸۴ توانست با کسب ۵ درصد آرا، کنترل ۱۷ شهرداری در دو استان وان و اورفا را در دست گیرد (برزگر، ۱۳۷۸، ۱۷۸). در سال ۱۹۸۶ ممنوعیت فعالیت سیاسی اربکان لغو شد و بلافاصله وی به رهبری

حزب رفاه انتخاب شد. این حزب در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۸۷ موفق شد به ۷/۲ درصد آرا دست یابد، اما بر اساس قانون جدید انتخابات که باید هر حزب ده درصد آرا را به دست می‌آورد تا بتواند وارد پارلمان شود، نتوانست نماینده‌ای را به پارلمان بفرستد. اما نمایندگان حزب رفاه در انتخابات شهرداری‌ها که در سال ۱۹۸۹ برگزار شد، به ۹/۸ درصد آرا دست یافتند.

#### ۴-۵. اسلام‌گرایی دلیل سقوط نظام لیبرال اقتصادی

بسیاری موفقیت حزب رفاه در انتخابات شهرداری‌ها در سال ۱۹۸۹ را در نتیجه اقدامات مؤثر آنها در خدمات‌رسانی به مردم و شهرت و اعتبار آنها در درستکاری می‌دانند، چون تمامی ادارات شهری که توسط شهرداران اسلام‌گرا اداره می‌شدند، با قاطعیت با فساد اداری مقابله می‌کردند و برای طبقات کارگر خدمات شهری مناسبی را ارائه می‌نمودند. برخی دیگر موفقیت حزب رفاه در ترکیه را صرفاً به ارائه خدمات شهری به شهروندان ترک محدود نمی‌کنند، بلکه تأکید می‌کنند این برداشت خاص آنها از اسلام و تاریخ ترکیه بوده که حزب رفاه را به یک قدرت سیاسی و فکری مسلط در جامعه تبدیل کرده است؛ چون اسلام‌گرایان در حزب رفاه بر این اعتقاد بودند که اسلام از لحاظ اجتماعی در اشکال گوناگون حیات بشری تجسم می‌یابد، بنابراین اسلام به دلیل انعطاف‌پذیری و ارزش‌های نمادینش در بسیج شهروندان ترک بسیار مؤثرتر از ناسیونالیسم و سوسیالیسم عمل کرده است (Gulap, ۲۰۰۱, ۲۸۷).

در آن زمان و در شرایطی که ترکیه را مشکلات اقتصادی و بحران‌های سیاسی و بی‌ثباتی امنیتی فرا گرفته بود به درخواست اوزال نخست‌وزیر وقت، پیشنهاد شد تا انتخابات پارلمانی یک سال زودتر از موعد قانونی در سال ۱۹۹۱ برگزار شود. علاوه بر مشکلات سیاسی و اقتصادی در ترکیه حمایت اوزال از حمله نظامی آمریکا در جنگ دوم خلیج فارس در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۱ نیز منجر به کاهش محبوبیت مردمی دولت وقت شده بود؛ حزب مام میهن که در دهه ۸۰ توانسته

بود آرای اسلام‌گرایان را به نفع خود جلب کند با ورود حزب رفاه به عرصه رقابت و انتقادات گسترده این حزب از سیاست‌های اوزال به پایگاه حزب مام میهن در میان اسلام‌گرایان ضربه جدی وارد کرد. در این انتخابات که در ۲۰ اکتبر ۱۹۹۱ برگزار شد، حزب رفاه موفق شد تا با ائتلاف با سایر احزاب به ۱۷ درصد از کرسی‌های پارلمان دست یابد. حزب در انتخابات شورای شهرداری‌ها در اول اکتبر ۱۹۹۲ در حوزه‌های مهمی چون استانبول، ازمیر و آناتولی توانست به ۲۵/۵ درصد آرا دست یابد؛ اربکان رهبر حزب در تبیین این موفقیت تأکید کرد که این ایمان و اعتقاد حزب بود که پیروزی را برای آن رقم زد، چون از نظر این حزب تنها راه حل از بین بردن فساد در جامعه کار و تلاش جدی همراه با ایمان عمیق بوده است. آرای این حزب در انتخابات شهرداری‌ها در ۲۷ مارس ۱۹۹۴ نیز به ۱۹/۷ درصد افزایش یافت. پیروزی حزب رفاه در انتخابات شهرداری‌ها، هم به علت پاکدستی و ایمان این حزب بوده است و هم به دلیل خدماتی که شهرداران حزب رفاه در حوزه‌های خود به مردم ارائه کردند. (رضوان، ۲۰۰۵، ۲۸۴).

## ۶. تحول در رشد اسلام‌گرایی

فروپاشی دولت ائتلافی احزاب راه راست و حزب جمهوری‌خواه خلق، زمینه را برای برگزاری انتخابات پارلمانی زودرس فراهم کرد؛ پس از موافقت مجلس ملی با برگزاری انتخابات پیش از موعد مقرر، تانسو چیلر رهبر حزب راه راست مأمور برگزاری این انتخابات شد. در این انتخابات که در ۲۴ دسامبر ۱۹۹۵ برگزار شد، حزب رفاه به ۲۱/۳۲ درصد آرا دست یافت و موفق شد تا ۱۵۸ نماینده را به پارلمان بفرستد (۳، ۱۹۹۶، sayari). برغم تمامی هشدارهایی که از سوی محافل لائیک در داخل و محافل غربی در خارج به انتخاب‌کنندگان ترک داده شد تا به کاندیداهای حزب رفاه رأی ندهند، اما مردم ترکیه بی‌توجه به این تبلیغات گسترده، گفتمان اسلام‌گرا را بر گفتمان غرب‌گرا ترجیح دادند و همانطور که در بالا بیان شد، آرای قابل توجهی را به نفع حزب رفاه به صندوق‌ها



ریختند؛ مردم ترکیه با آرای خود به اسلام‌گرایان و تبدیل حزب رفاه به حزب اول نظام سیاسی کشور، عزم خود را برای سپردن اداره کشور به اسلام‌گرایان در سال‌های آخر قرن بیستم و آغاز قرن جدید نشان دادند. بدون تردید حزب رفاه را باید موفق‌ترین حزب اسلام‌گرا در دهه ۱۹۹۰ در ترکیه به شمار آورد؛ زیرا این حزب به عنوان یک حزب اسلام خواه در تاریخ جدید ترکیه، برای نخستین بار توانست به قدرت دست یابد، بدین ترتیب باید گفت؛ پدیده حزب رفاه، محوری‌ترین جلوه رشد اسلام‌گرایی در چند دهه گذشته به شمار می‌رود.

#### ۶-۱. تشکیل اولین دولت اسلام‌گرا

با توجه به نتیجه انتخابات پارلمانی دسامبر ۱۹۹۵ که حزب رفاه در آن به اکثریت آرا دست پیدا کرد، طبیعی بود که این حزب باید دولت را تشکیل می‌داد. اما محافل لائیک به آن اهمیتی ندادند، بلکه همه متحد شدند تا برغم اختلافاتی که با یکدیگر داشتند با ائتلاف با یکدیگر از به قدرت رسیدن حزب رفاه جلوگیری کنند. بر این اساس رهبران حزب مام میهن و حزب راه راست برغم اختلافات گذشته با یکدیگر کنار آمدند و با توافقی میان یکدیگر دولت ائتلافی را تشکیل دادند؛ برغم اینکه دولت ائتلافی به رهبری مسعود ایلماز اعلام کرد یکی از اهداف مهم دولت او انجام اصلاحات دموکراتیک و اقتصادی است تا اوضاع اقتصادی بهبود و تورم کاهش یابد، اما عملاً این ائتلاف ضعیف نتوانست به بحران اقتصادی پایان دهد، بلکه اندکی بعد فروپاشید. محافل لائیک اعم از احزاب راست و چپ و ارتش تلاش گسترده‌ای به عمل آوردند تا از به قدرت رسیدن حزب رفاه جلوگیری کنند، حتی سلیمان دمیرل رییس جمهور وقت، پیشنهاد برگزاری انتخابات زودرس پارلمانی را داد تا بار دیگر احزاب سکولار به اکثریت دست یابند. اما با توجه به گفتمانی که اربکان به عنوان حزب رفاه در افکار عمومی ارایه داده بود، شرایط به شکلی رقم خورد تا نظام لائیک به ناچار اربکان را مامور تشکیل دولت کند. نجم الدین اربکان با حمله به دولت ائتلافی و

انتقاد از فساد اقتصادی رهبران آن و اعتراض به امضای قرارداد نظامی میان ترکیه و اسرائیل با قاطعیت اعلام کرد این تنها حزب رفاه است که قادر است مشکلات داخلی و خارجی کشور را حل کند، او تصریح کرد: آماده است تا در چارچوب قواعد دموکراسی دولت را تشکیل دهد (الصالح، ۲۰۱۲، ۲۳۰).

#### ۲-۶. دستیابی نخستین حزب اسلام‌گرا به قدرت در ترکیه

دولت ائتلافی به رهبری ایلماز به علت اختلافات حزبی و رقابت شخصی بین رؤسای دو حزب، پس از شش ماه سقوط کرد. سرانجام پس از دو ماه بی‌ثباتی رئیس‌جمهور وقت اربکان حزب اسلام‌گرای رفاه را مأمور تشکیل کابینه کرد. اربکان بلافاصله با دو حزب دیگر وارد مذاکره شد. محافل لائیک در ترکیه امید داشتند که به دلیل اختلاف سایر احزاب لائیک با حزب اسلام‌گرای رفاه، دوباره نوبت ائتلاف میان احزاب لائیک خواهد شد. ولی اربکان پس از چند دور مذاکره با تانسو چیلدر رهبر حزب راه راست، با انتشار بیانیه‌ای توافق با آن را برای تشکیل دولت اعلام کرد. بر اساس قراردادی که میان دو طرف امضا شد، نخست‌وزیری را نجم‌الدین اربکان و مسئولیت معاونت نخست‌وزیری و همچنین وزارت امور خارجه را تانسو چیلدر بر عهده گرفت تا دوره دو ساله بعدی مسئولیت‌ها تعویض شود و مسئولیت وزارتخانه‌ها به نسبت تعداد کرسی اشغال شده در مجلس تقسیم گردد (همان کتاب، ۲۳۷).

پس از اینکه اربکان با رهبر حزب راه راست به توافق رسید، سلیمان دمیرل در نشستی با اربکان او را در ۲۸ ژوئن ۱۹۹۶ به عنوان نخست‌وزیر جدید تعیین کرد تا از پارلمان رأی اعتماد بگیرد. برغم مخالفت‌هایی که از سوی برخی از اعضا حزب راه راست با تانسو چیلدر به دلیل همکاری با حزب رفاه صورت گرفت، اما اربکان در تاریخ ۲۹ ژوئن ۱۹۹۶ در یک مصاحبه مطبوعاتی بر خلاف قول‌هایی که در روزهای قبل از انتخابات داده بود، بسیاری از شعارهای انتخاباتی خود را کنار گذاشت و با اتخاذ موضعی معتدل و اعلام پایبندی به تعهدات

دولت‌های گذشته در داخل و خارج زمینه را برای کسب رأی اعتماد در پارلمان فراهم کرد. دولت ائتلافی اربکان - چیللر بلاخره موفق شد تا برغم برخی مخالفت‌ها، با کسب ۲۷۸ رأی موافق در برابر ۲۶۵ رأی مخالف، از مجلس رأی اعتماد بگیرد و پس از ۳۰ سال انتظار حکومت به اسلام‌گرایان انتقال یافت. اربکان با اشاره به تجربه‌اش در گذشته اعلام کرد ما آماده همکاری با تمامی احزاب برای خدمت به کشور هستیم. این موضع اربکان بیان‌گر این بود که او به خاطر حفظ منافع ملی حاضر به عقب نشینی از مواضع خود شده است تا بتواند با ائتلاف با یک حزب لائیک دولت را تشکیل دهد. اما باید گفت اربکان به افقی فراتر از این نگاه می‌کرد، او که سی سال صبر کرده بود تا در نظام لائیک به قدرت برسد، حال باید از این فرصت طلایی استفاده می‌کرد تا به اهداف اسلام‌گرایان دست یابد؛ هر چند ورود به این ائتلاف تمامی اهداف اربکان را محقق نمی‌کرد، اما اربکان از این طریق تلاش می‌کرد تا با افزایش مشروعیت حزبی، ایده دورنگه داشتن اسلام‌گرایان از حوزه حکومت را بی‌اعتبار سازد (Makovsky, ۱۹۹۷, ۳). او می‌خواست به مردم ترکیه اثبات کند همانطور که این حزب در شهرداری‌ها موفق عمل کرده است در اداره کشور به عنوان رییس قوه مجریه نیز توانمند عمل خواهد کرد.

### ۳-۶. راهبرد واقع‌گرایانه اربکان

اربکان برغم شعارهایی که در دو دهه گذشته مبنی بر مقابله با امپریالیسم، صهیونیسم و یا خروج از ناتو داده بود، پس از دستیابی به قدرت در ژوئن ۱۹۹۶ از آنها عقب نشینی کرد و از مبالغه در اسلام‌گرایی و انتقاد از ناتو و اتحادیه اروپا دست کشید و وعده داد روابط نزدیکی با غرب برقرار خواهد کرد و به تمام توافقاتنامه‌های بین‌المللی سابق احترام خواهد گذاشت. اربکان با کنار گذاشتن مواضع ایدئولوژیک خود به طور موقت، با یک نگاه واقع‌گرایانه با آگاهی دقیقی که از جامعه پیچیده ترکیه داشت، تلاش کرد تا از موانع متعدد عبور کند. البته

اقدامات اربکان هر چند در کوتاه مدت می‌توانست موجب کاهش محبوبیت او در میان مردم شود، اما در دراز مدت می‌توانست جریان اسلام‌گرایی را به عنوان جریانی توانمند برای اداره کشور به جامعه معرفی کند؛ چون اربکان در ارائه برنامه‌های خود به مجلس، دولت خود را دولت فقرا معرفی کرد و بیشتر بر حل مشکلات اقتصادی مردم و رفع ظلم در کشور تأکید نمود. با توجه به این راهبرد، او در ابتدای شروع به کار با موافقتنامه نظامی ترکیه و اسرائیل موافقت کرد با حضور نیروهای غربی در جنوب شرقی ترکیه برای حمایت از کردهای شمال عراق موافقت کرد. همچنین از تصمیم برای اخراج افسران دارای گرایش‌های اسلامی از نیروهای مسلح حمایت کرد. او در مواضعی آشکار، خود را سکولار واقعی و پیرو واقعی آتاتورک توصیف نمود. اربکان از تحركات نیروهای آمریکایی در شمال عراق چشم پوشید و برای ادای احترام به اسحاق رابین نخست وزیر معدوم اسرائیل دو تن از نمایندگان حزب رفاه را همراه با یک هیأت پارلمانی به این کشور فرستاد.

بر اساس این راهبرد اربکان در داخل نیز با دعوت از رهبران گروه‌های مختلف دینی به ضیافت افطار، تأسیس مسجد در منطقه پیشرفته تقسیم در استانبول و دیگری در محوطه کاخ ریاست جمهوری در آنکارا، صدور مجوز به کارمندان زن برای داشتن حجاب اسلامی در ادارات رسمی، آزادی عمل شهروندان برای انجام مراسم مذهبی و برگزاری مراسم روز قدس نشان داد که حزب رفاه چیزی از مقاومت و پاکیزگی و شخصیت خود از دست نداده است، بلکه چون گذشته همچنان به گفتمان خود پایبند است، چون این مسئولیت‌های حکومتی بوده است که او را ناگزیر کرده خود را با واقعیات جامعه سازگار کند. با وجود این، برخی بر این باورند که علت فاصله گرفتن اربکان از مواضع معتدل خود، تأثیر پذیری تدریجی او از تندروهایی بوده است که در آن زمان بدنه اصلی پایگاه انتخاباتی حزب رفاه را تشکیل می‌دادند، این تأثیرپذیری بر آسیب‌پذیری اربکان در برابر فشار نظامیان افزود (یاووز، ۱۳۸۹، ۱۱۲).

#### ۶-۴. تلاش نظامیان برای سقوط دولت اسلام‌گرا

اقدامات اربکان موجب شد تا نهادهای سکولار وارد عرصه شده و او را از قدرت ساقط کنند؛ ارتش از توسل به کودتا خودداری کرد تا باعث دوری هر چه بیشتر این کشور از اتحادیه اروپا نشود، بلکه به نمایندگان حزب راه راست فشار وارد کرد تا با هدف از بین رفتن اکثریت پارلمانی دولت ائتلافی از سمت خود استعفا دهند. اربکان تنها راه برونرفت از این بحران را استعفا می‌دانست تا دولت ائتلافی به ریاست تانسو چیپلر با معاونت او ادامه یابد. نجم‌الدین اربکان در تاریخ ۱۸ ژوئن ۱۹۹۷ و یکسال پس از تشکیل دولت از مقام نخست‌وزیری استعفا داد تا راه برای تصدی این پست از سوی خانم چیپلر هموار شود. هر چند این اقدام از پشتوانه پارلمانی برخوردار بود، اما سلیمان دمیرل رییس‌جمهور وقت ترکیه نامه پارلمان را نادیده گرفت و مسعود ایلماز رهبر حزب مام‌میهن را با وجود عدم برخوردارگی از اکثریت پارلمانی برای اخذ رأی اعتماد مامور تشکیل کابینه جدید کرد. بسیاری این اقدام رییس‌جمهور را به منزله کودتای سفید تلقی کردند و خانم چیپلر از آن به عنوان یک کودتای رسمی یاد کرد و مطبوعات ترکیه از آن به عنوان یک کودتای پسا‌مدرن نام بردند؛ عده‌ای نیز اقدام نظامیان بر ضد دولت قانونی اربکان را به عنوان «کودتای نرم» تلقی کردند، چون نظامیان برای رسیدن به هدف، انجمن‌های بازرگانی، کارتل‌های رسانه‌ای، رؤسای دانشگاه‌ها و قوه قضاییه را بسیج کردند تا با اقدام علیه حزب رفاه رهبر آن را مجبور به استعفا کنند (Yvuz, 1997, 1).

#### ۷. حاکمیت عمل‌گرایی اسلامی

##### ۷-۱. ظهور گسست‌های حزبی

پس از اینکه دادگاه قانون اساسی ترکیه حزب فضیلت را در ۲۲ ژوئن ۲۰۰۱ منحل کرد، بلافاصله دو جناح سنت‌گرا و نوگرای حزب منحل شده فضیلت اقدام به تأسیس دو حزب جدید با دو گفتمان متفاوت کردند. جناح سنت‌گرا به رهبری رجایی کوتان با همکاری اربکان حزب سعادت ترکیه را در ۲۵ ژوئیه



۲۰۰۱ تشکیل دادند، نیمی از نمایندگان حزب منحل شده فضیلت به این حزب پیوستند؛ جناح نوگرای این حزب نیز به رهبری عبدالله گل و رجب طیب اردوغان که از اعضای برجسته حزب رفاه به شمار می‌آمدند، حزب عدالت و توسعه (AKP) را در ۱۴ اوت ۲۰۰۱ تشکیل دادند.

یکی از عوامل مهم جدایی جناح نوگرای حزب فضیلت از جناح سنت‌گرا، مواضع ایدئولوژیک محور جناح اخیر بود که مسایل ایدئولوژیک و آرمانی را نسبت به منافع ملی در اولویت قرار داده بود. رهبران جناح اصلاح طلب حزب فضیلت، رجب طیب اردوغان و عبدالله گل با تأسیس حزب عدالت و توسعه در صدد بودند تا گفتمان دیگری را از اسلام‌گرایی ارایه دهند. عبدالله گل یکی از رهبران مؤثر در شکل‌گیری این گفتمان بر این باور است که: در حادثه کودتای ۱۹۹۷ همه ما تغییر کردیم و تجربیات فراوان کسب نمودیم، ما قصد داریم با حداکثر تلاش به نحو شایسته‌ای از این تجربیات درس بگیریم. سایر رهبران اسلام‌گرا در یک دهه اخیر بر این تغییر رویکرد تأکید داشته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که باید درک تازه‌ای از سیاست پیدا کنند و با یک رویکرد عملگرایانه منافع کشور را در داخل و خارج تأمین نمایند. تجربه پیشین اردوغان به عنوان شهردار استانبول، شکل دهنده فهم وی از سیاست بود و این باور را در وی به وجود آورد که مردم بیش از ایدئولوژی یا آرمان‌های بزرگ، توقع خدمت دارند. به اعتقاد او نخستین تکلیف کسانی که در پی مسؤولیت‌های دیوانی هستند خدمت به مردم است، از نظر او حزب عدالت و توسعه حزبی است که بیش از ایدئولوژی در پی خدمت و عمل است. رهبران حزب عدالت و توسعه با این رویکرد جدید در عرصه رقابت‌های انتخاباتی در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ حاضر شدند تا محبوبیت خود را در برابر احزاب رقیب خواه لائیک و خواه اسلام‌گرای سنت‌گرا به قضاوت افکار عمومی بگذارند.

## ۲-۷. حاکمیت اسلام‌گرایان

انتخابات پارلمانی ترکیه با رقابت ۱۸ حزب با گرایش سکولار و اسلام‌گرا با مشارکت ۳۲/۵ میلیون نفر در نوامبر ۲۰۰۲ برگزار شد؛ بر خلاف تمامی پیش‌بینی‌ها در این انتخابات حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه برای نخستین بار در تاریخ جمهوری ترکیه به پیروزی قاطع در برابر احزاب سکولار رسید. حزب عدالت و توسعه با کسب ۱۰ میلیون و ۸۰۰ هزار رای، ۳۴/۳ درصد از مجموع آرا را به خود اختصاص داد و از حزب ریشه دار و با تجربه جمهوری‌خواه چپ و سکولار پیشی گرفت. بقیه احزاب که نتوانسته بودند به بیش از ده درصد آرا دست یابند، بر اساس قانون سد از ورود به پارلمان محروم شدند. بدین ترتیب حزب جمهوری‌خواه خلق به رهبری دنیز بایکال، ۱۸۰ نماینده را به مجلس فرستاد و حزب عدالت و توسعه ۳۶۳ نماینده را روانه مجلس کرد و مأمور شد تا بدون ائتلاف کابینه جدید را تشکیل دهد (Cagaptay, ۲۰۰۲, ۴۲).

پیروزی حزب عدالت و توسعه در یک رقابت گسترده در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۲ محافل خبری جهان را شگفت زده کرد. بسیاری آن را به منزله یک زلزله سیاسی تعبیر کردند، چون برای نخستین بار بود که یک حزب اسلام‌گرا در نظام لائیک ترکیه با آرای بسیار بالا به قدرت می‌رسید و برای دومین بار در تاریخ ترکیه بود که یک حزب با اقتدار کامل به تنهایی مأمور تشکیل کابینه می‌شد. اهمیت این تحول سیاسی زمانی بیشتر می‌شد که یک حزب اسلام‌گرا در تاریخ جمهوری لائیک به پیروزی قاطع در مقابل سایر احزاب دست یافته بود. بسیاری دیگر پیروزی قاطعانه حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۲ را به منزله یک عصر جدید در تاریخ معاصر ترکیه به شمار آوردند (نورالدین، ۲۰۰۳، ۱۲).

با توجه به پیروزی چشمگیر حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۲ طبیعی بود که تشکیل دولت به عهده این حزب خواهد بود؛ بنابر این رییس‌جمهور وقت احمد نجات سزر، عبدالله گل را که سوابق درخشانی در

احزاب اسلام‌گرای رفاه و فضیلت داشت در نوامبر ۲۰۰۲ به عنوان نخست وزیر انتخاب کرد و یکسال بعد رجب طیب اردوغان در مارس ۲۰۰۳ به عنوان نخست وزیر جدید از پارلمان رأی اعتماد گرفت و عبدالله گل به عنوان وزیر خارجه انتخاب شد. هر چند مقام نخست وزیری در ترکیه از اختیارات بالایی برخوردار است، اما برغم ورود اسلام‌گرایان در حوزه اجرا، ریاست جمهوری همچنان در اختیار احمد نجات سزر از جناح سکولار بود؛ با توجه به اختیارات رییس جمهوری در وتوی مصوبات پارلمان و تعیین قضات از سوی او، این امر می‌توانست موانعی را برای اجرای برنامه‌های حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه ایجاد کند.

### ۷-۳. کارآمدی اسلام‌گرایان و استمرار قدرت سیاسی

تمامی محافل سکولار اعم از ارتش و احزاب سکولار بسیج شدند تا از پیروزی مجدد حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۷ جلوگیری کنند؛ پس از پایان دوره هفت ساله ریاست جمهوری احمد نجات سزر حزب عدالت و توسعه، عبدالله گل وزیر خارجه را به این سمت انتخاب کرد، اما احزاب سکولار و نظامیان با انتخاب او به سمت ریاست جمهوری به دلیل پیشینه سیاسی در حزب رفاه و تلاش او برای اعمال اسلام سیاسی در ترکیه مخالفت کردند و انحصار قدرت توسط حزب عدالت و توسعه را موجب ریزش پایه‌های سکولار جمهوری ترکیه دانستند؛ ارتش تهدید کرد برای حفاظت از سکولاریسم به هر ابزاری متوسل خواهد. ارتش در بیانیه‌ای که دقیقا بعد از نامزدی گل صادر شده بود، تاکید کرد: «کسانی که با سخنان آتاتورک مشکل دارند، همواره در زمره دشمنان این ملت خواهند بود» (Bahar, ۲۰۰۷, ۶۸). با انصراف گل از نامزدی ریاست جمهوری بحران همچنان ادامه پیدا کرد. در این شرایط بحرانی که احزاب سکولار مخالف، مانع انتخاب گل به ریاست جمهوری شده بودند، قرار شد تا انتخابات مجلس پیش از موعد مقرر در ۲۲ ژوئای

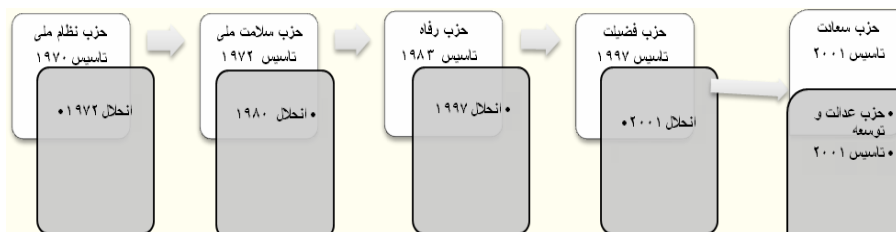
۲۰۰۷ برگزار شود. برغم تمامی تلاش‌ها از سوی محافل لائیک برای شکست حزب عدالت و توسعه، کارآمدی این حزب در اداره و هدایت کشور و کارنامه قابل قبول دولت اردوغان در بهبود وضعیت اقتصادی - آنهم با سرعت زیاد - رأی دهندگان ترک را به سوی این حزب متمایل کرد. در انتخابات پارلمانی ترکیه که در ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ برگزار شد، حزب حاکم عدالت و توسعه توانست ۴۶/۶ درصد آرا را به خود اختصاص دهد که ۱۲ درصد از آرای این حزب در دوره قبل بیشتر بود (Yesilada&Rubin, ۲۰۱۱, ۲۷).

برغم تلاش‌هایی که از سوی نظامیان و احزاب رقیب حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه به عمل آمد تا پایگاه اسلام‌گرایان در میان مردم کاهش یابد، اما به دلیل کارنامه موفق‌تری که این حزب در عرصه داخلی و بین‌المللی در دو دوره گذشته از خود ثبت کرده بود، موجب شد تا محبوبیت حزب بیش از گذشته افزایش یابد و سکولارها چون گذشته عملاً نتوانند به بهانه به خطر افتادن نظام سکولار و یا زیر پا گذاشتن آموزه‌های کمال آتاتورک دست به کودتا علیه دولت اسلام‌گرا و یا انحلال حزب حاکم از طریق مجامع قانونی بزنند. در دوره دوم نیز اسلام‌گرایان به اتهام تحمیل ارزش‌های دینی به جامعه ترکیه مورد حمله قرار گرفتند، چون در سال ۲۰۰۸ دادستان ارشد این کشور حزب عدالت و توسعه را متهم کرد که این حزب با برگزاری رفراندوم برای تغییر قانون اساسی، در جهت تضعیف سکولاریسم و تشکیل حکومت اسلامی حرکت می‌کند و از دادگاه عالی خواستار ممنوعیت فعالیت حزب و ۷۰ عضو آن شد (ورغی، ۲۰۱۰، ۶۵).

#### ۴-۷. اوج قدرت سیاسی اسلام‌گرایان

در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۱ حزب عدالت و توسعه برای رقابت با سایر احزاب وارد عرصه انتخابات پارلمانی شد تا یک بار دیگر در یک فرایند دموکراتیک عملکرد گذشته خود را در نزد افکار عمومی به آزمون بگذارد. در این انتخابات که ۸۴/۵ درصد از واجدین شرایط رأی دادن در انتخابات، در آن شرکت کرده بودند،

حزب عدالت و توسعه با کسب ۴۹/۹ درصد آرا توانست به پیروزی بزرگی دست یابد و ۳۲۶ کرسی از ۵۵۰ کرسی پارلمان را تصاحب کند. حزب سکولار جمهوری خلق به عنوان مهم‌ترین حزب سیاسی در تاریخ ترکیه نیز با کسب ۲۶ درصد آرا در ردیف دوم قرار گرفت. به باور بسیاری این برای نخستین بار بود که در تاریخ ترکیه یک حزب توانسته بود با افزایش آرای خود برای سومین بار به قدرت برسد. برای بسیاری از تحلیلگران دور از انتظار بود تا با توجه به سنگ اندازی نظامیان، راست‌گرایان و اندیشه اسلام‌هراسی در جهان، این حزب بتواند برای سومین بار متوالی پارلمان ترکیه را فتح و بر تفکر «سندروم» خط بطلان بکشد. این میزان گسترده از آرا به حزب عدالت و توسعه اجازه می‌داد تا به دلیل اکثریت قابل توجه پارلمانی بدون ائتلاف با سایر احزاب دولت تشکیل دهد. باید گفت پیروزی قاطع حزب عدالت و توسعه در انتخابات سال ۲۰۱۱، در نتیجه موفقیت‌های این حزب در دو دوره از زمامداری قبل از این انتخابات بود که با اتخاذ یک سیاست عملگرایانه موفق شد تا در سطح ملی از طریق انجام اصلاحات و توسعه آزادی‌ها و دموکراسی، کاهش نقش نظامیان در سیاست و اعطای حقوق بیشتر به اقشار قومی و مذهبی، به تعامل با تمامی گروه‌ها دست یابد و در سطح بین‌المللی نیز موفق شد تا با شکستن حصارهای گذشته و گذر از سیاست بسته به سیاست باز و حضور قوی در صحنه سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی به تعامل با تمامی کشورهای جهان (شرق و غرب) پردازد.



نمودار شماره ۱: فرآیند تحول در جریان اسلام‌گرا

### نتیجه گیری

در این مقاله جریان اسلام‌گرایی در ترکیه با هدف تبیین تأثیر تغییرات ساختاری در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی در این کشور بر رشد و گسترش پدیده اسلام‌گرایی در سال‌های پس از تأسیس نظام لائیک تا دستیابی حزب عدالت و توسعه به قدرت مورد بررسی قرار گرفت؛ از سوی دیگر تلاش شد تا عوامل مؤثر در تغییر رویکرد این جریان از آرمان‌گرایی به عمل‌گرایی در سال‌های پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه مورد بررسی قرار گیرد. تحولات ۸ دهه پس از تأسیس نظام لائیک در ترکیه نشان می‌دهد؛ جریان اسلام‌گرایی در ترکیه در نتیجه تحولات ساختاری در این کشور، توانسته است به تدریج به عنوان یک جریان مسلط و تأثیر گذار در جامعه مسلمان ترکیه با حاکمیت نظام سکولار ظهور کند.

جریان اسلام‌گرایی در ترکیه، در آغاز به صورت یک گفتمان آرمانگرا و ایدئولوژیک محور، در تقابل با گفتمان سکولاریسم شکل گرفت، اما بعد به تدریج با تغییر در رویکرد خود از آرمان‌گرایی به عمل‌گرایی، در هم‌گرایی با آن پدیدار شد. سه دوره نخست از فرآیند این تحول را (۲۰۰۰-۱۹۲۳)، باید به عنوان ۸ دهه تلاش هوشمندانه و خردورزانه جریان اسلام‌گرایی در درون نظام سکولار برای تکوین و پذیرش در نظامی با ماهیت اسلام ستیز و مخالف با هر نوع فعالیت دینی و مذهبی به شمار آورد؛ در حالی که دوره چهارم (۲۰۰۰ تا کنون) را، باید دوره دگرذیسی در رویکرد آرمان‌گرایانه این جریان در جهت عمل‌گرایی اسلامی با هدف همزیستی و هم‌گرایی با گفتمان سکولاریسم در ترکیه دانست.

با توجه به مواضع رهبران اسلام‌گرای ترکیه در دهه‌های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی، می‌توان گفت که تا سه دهه پیش از روی کار آمدن حزب عدالت و

توسعه، نگاه رهبری جریان اسلام‌گرایی به مسایل داخلی و خارجی یک نگاه ایدئولوژیک محور بود؛ اما ساختار حاکم بر ترکیه و قیود قانونی که برای فعالیت احزاب اسلام‌گرا در این کشور وجود داشت، در نهایت رهبران اسلام‌گرا را در یک دهه اخیر برآن داشت تا با استفاده از این تجربه به منظور تضمین بقای خود در عرصه سیاسی این کشور، به گفتمان جدیدی روی آورند.

عواملی چون سرکوب شدید این جریان توسط حامیان نظام سکولار در کودتای فوریه ۱۹۹۷، ظهور نسلی نوپدید با نگرش لیبرالی و معتقد به اقتصاد بازار، شکل‌گیری طیف روشنفکران جدید مسلمان و شروط اتحادیه اروپا در چارچوب موازین کپنهاک برای پیوستن این کشور به این اتحادیه، موجب شد تا جریان اسلام‌گرایی به تدریج با فاصله از نگاه ایدئولوژیک محور خود، به عملگرایی روی آورد؛ در واقع باید گفت به دنبال این تحولات، رهبران حزب عدالت و توسعه، گفتمان اسلام‌گرایی در سه دهه اخیر را که مبتنی بر ایدئولوژی و آرمان‌گرایی بود با گفتمان جدیدی جایگزین کردند که با قرار دادن واقع‌گرایی و عمل‌گرایی به جای ایده‌گرایی و شعارزدگی، منافع ملی ترکیه را بر رویکرد ایدئولوژیک ترجیح می‌داد. بدین ترتیب باید گفت از نظر رهبران اسلام‌گرای حزب عدالت و توسعه منبع اصلی مشروعیت این حزب نه ایدئولوژی، بلکه رفع نیاز مردم و تأمین عدالت برای همه است. چنین رویکردی اردوغان یکی از موثرترین افراد حزب را به عنوان عمل‌گراترین رهبر در تاریخ ترکیه، با کمترین پای‌بندی به ایدئولوژی معرفی کرده است.

## کتابنامه

۱. برزگر، کیهان (۱۳۷۸)، "پیشینه فعالیت‌های شهری حزب رفاه"، فصلنامه‌ی **مطالعات خاورمیانه**، شماره ۲، (۱۷۶-۱۸۳)
۲. خلیفه، محمد (۲۰۰۳)، **الحركة الاسلاميه في نصف قرن**، القاهرة: مرکز الاهرام للشؤون السياسييه.
۳. رضوان، ولید (۲۰۰۵)، **ترکيا بين العلمانيه و الاسلام في القرن العشرين**؛ دمشق: حران.
۴. زارع، محمدرضا (۱۳۸۷)، **علل رشد اسلام گرایي در ترکیه**، تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
۵. سیف زاده، حسین (۱۳۷۴)، **نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل**؛ تهران: نشر قومس.
۶. سعید، بابی (۱۳۷۹)، **هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی**، مترجم: غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. الصالح، منال (۲۰۱۲)، **نجم الدین اربکان و دوره فی السیاسه ترکیه؛ ۱۹۶۹-۱۹۹۷**؛ بیروت: الدار العربییه للعلوم و ناشرون.
۸. طلوعی، محمود؛ **فرهنگ جامع سیاسی؛ بی‌جا: نشر علم**، ۱۳۷۷.
۹. لویس، برنارد (۱۳۸۶)، **"گذار به دموکراسی در ترکیه"**؛ مترجم: آراز امین ناصری؛ **اطلاعات سیاسی اقتصادی؛ شماره: ۲۳۸-۲۳۷**.
۱۰. نورالدین، محمد، (۱۳۸۳)، **ترکیه جمهوری سرگردان؛ بررسی روابط دینداران و سکولارها در جامعه ترکیه**؛ تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۱۱. نورالدین، محمد (۲۰۰۳)، **"ترکیا. . . الی این؟ حزب العداله و التمیمه الی السلطه"**؛ بیروت: مرکز الدراسات الوحده العربییه؛ العدد: ۲۸۷.





۱۲. ورغی، جلال (۲۰۱۰)، الحركة الاسلامیة التركية: معالم التجربة و حدود المنوال فی العالم العربي؛ بیروت: الدار العربية للعلوم.  
 ۱۳. یاوز، م. هاكان (۱۳۸۹)، سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه؛ مترجم: احمد عزیزى؛ تهران: نشر نی.

۱۴. -Ahmad, Feroz;(۱۹۹۷) **The Turkish experiment of democracy ۱۹۵۰-۱۹۷۵**; London: west view press.
۱۵. -Bahar, heymi;(۲۰۰۷) “The real winners and losers of turkey’s july ۲۰۰۷ elections”; MERIA; vol: ۱۱; No: ۳.
۱۶. Cagaptay, Soner;(۲۰۰۲) “The November ۲۰۰۲ elections and turkey’s new political era”; Meria; vol: ۶.
۱۷. -Gulalp, Huldun;(۲۰۰۱) “**Globalization and political islam: the social bases of turkey’s welfare party**”; international journal of middle east studies; vol. ۳۳; no.
۱۸. -Kucukcan, talip;(۲۰۰۳) “State, Islam, and Religious Liberty in Modern Turkey: Reconfiguration of Religion in the Public Sphere”; Meria.
۱۹. -Landau, M. Jacob;(۱۹۹۴) **turkey of pan-islam, ideology and organization**, oxford; clarendon press.
۲۰. -Lewis, Bernard;(۲۰۰۲) **The emergence of modern turkey**; oxford: oxford university press.
۲۱. Makovsky, Alan;(۱۹۹۷) “**how to deal with erbakan**”; middle east Quarterly; vol: ۱.
۲۲. J. Shaw, Stanford;(۱۹۷۷) **history of the ottoman empire and modern turkey**; London: Cambridge university press.

۲۳. -sayari, sabri;(۱۹۹۶) “**turkey’ s islamist challenge**”; middle east quarterly; vol: ۳.
۲۴. Yesilada, Birol and Barry Rubin;(۲۰۱۱) **Islamization of turkey under the AKP rule**; London: Routledge.
۲۵. -Yaphd, judiths;(۱۹۹۷) **Islamic radicalism**; meria; vol: ۱۰۴.
۲۶. -Yavus, M. Hakan;(۱۹۹۷) “political islam and the welfare(refah) party in turkey”; IJMES; vol: ۳۰.

